

واسطه فیض بودن امام معصوم علیه السلام در نظام هستی از دیدگاه نوصدرایی

لیلا نورلیلا^۱، نسرین میانجی^۲

چکیده

خداوند متعال امور این عالم را براساس نظام اسباب و مسببات قرار داده و این مینا، متناسب با نظریه واسطه فیض است. پژوهش حاضر با هدف بررسی فیض بودن امام معصوم علیه السلام در نظام هستی از دیدگاه نوصدرایی به روش توصیفی-تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای انجام شد. پس از تبیین مبانی برهان واسطه فیض که مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی را دربردارد به ضرورت، نقش، ویژگی‌ها و اثبات وجود واسطه فیض و تطبیق آن بر امام بررسی و مصادیق واسطه بودن امام در نظام هستی معرفی شد. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که امام معصوم علیه السلام در نظام تکوین و تشریح به‌اذن الهی واسطه فیض است و در اموری مانند اصل وجود و استمرار آن، نزول برکات، هدایت و ایصال الی المطلوب نقش اساسی دارد.

واژگان کلیدی: فیض، واسطه فیض، امامت، ولایت، نوصدرایی.

۱. مقدمه

بحث واسطه فیض و اثبات آن به آغاز خلقت برمی‌گردد؛ زیرا چگونگی صدور فیض از مبدأ هستی به هستی‌ها از مسائل بسیار مهم در نظام هستی است. این بحث در فلسفه از زمان یونان باستان آغاز شده است. فیلسوفانی مانند افلاطون، فیلون و ارسطو در کتاب خود به این بحث مهم پرداخته و دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند. این مباحث بین فیلسوفان و متکلمان یهودی نیز

۱. دانش‌پژوه دکتری کلام اسلامی، از کشور اندونزی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Orcid: 0009-0001-6932-3372

۲. استادیار گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

جایگاه خاصی دارد تا دین یهود را با شیوه فلسفه افلاطونی و برخی نظام‌های فکری یونان در قالب تفکر مذهبی و امری مشخص و اقلومی خاص بین خدا و خلق و به اصطلاح لوگوس (عقل) توجیه کند. در جهان اسلام این نظریه توسط کندی و فارابی وارد فضای اسلام شد و توسط فلاسفه بعدی مانند ابن سینا و میرداماد مورد توجه قرار گرفت. نظریه واسطه فیض در آثار ملاصدرا و شاگردان وی (نوصدراییان) به طور کامل بررسی شد و با توجه به مسلک اصالت وجود و مبنای وحدت سنخی وجود، ربط خداوند با مخلوقات به خوبی تبیین و در نهایت قول به تجلی و ظهور ارائه شده است. (رحیمیان، ۱۳۸۱، ص ۲۰) از دیدگاه آنها این نظریه براساس آموزه‌های دینی است و آیات و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت می‌کند. آنها واسطه در فیض را حقیقت محمدیه و وارثان حضرت می‌دانند. در نظر آنها عالم هیچ‌گاه خالی از واسطه فیض نیست. بنابراین، با توجه به نقش واسطه‌های فیض در اصل حیات و استمرار آن و نزول برکات و دفع بلاها و تحقق هدایت تکوینی و تشریحی، کسب معرفت عمیق نسبت به جایگاه آنها به دلیل ایجاد ارتباط و لزوم تبعیت ضروری است. تبیین این جایگاه از دیدگاه مکتب نوصدرایی و با مبانی فلسفی با توجه به اینکه کامل‌ترین تبیین در حوزه فلسفه اسلامی است بسیار مثمر ثمر خواهد بود.

۲. مهمترین مبانی فکری نوصدرایی در نظریه واسطه فیض

مهمترین مبانی هستی‌شناختی نظریه واسطه فیض، اصالت وجود، تشکیک وجود و وحدت حقیقت وجود، سنخیت بین علت و معلول، قاعده الواحد و امکان اشرف، عوالم وجود و غایتمندی هستی است. مبانی انسان‌شناختی این نظریه نیز حقیقت وجودی انسان و جایگاه او در نظام هستی است. پژوهش حاضر با پذیرش مبانی مطرح‌شده در قالب اصول موضوعه، ضرورت، نقش و ویژگی‌های واسطه فیض را تبیین و با قاعده الواحد و امکان اشرف وساطت امام در قالب واسطه فیض را ثابت می‌کند.

۳. اهمیت و ضرورت وجود واسطه فیض

وجود واسطه فیض از دیدگاه صدرالمتألهین و نوصدراییان به مسئله تشکیک وجود و ربط وجودی بین درجات عالیه وجود و درجات پایینی آن بازمی‌گردد. اگرچه به حسب وجود و کمال بی‌نهایت خداوند و عدم بخل او صدور به هر درجه و مرتبه عالم از عوالم و درجات هستی ضروری است، اما امکان ذاتی هرچیزی شرط اولیه‌ای است که قابلیت اخذ اعطای وجود از ناحیه خداوند را داشته باشد، اما این در قوایل مادی کافی نیست و مجرد استعداد و امکان این قوایل، برای کسب فیض بلاواسطه، کفایت نمی‌کند و در عالم متوسط نیز همین طور است. به همین دلیل، در ارتباط بین درجه عالی و درجه پایین آن نیاز به واسطه است و در نزول فیض به مراتب نازله، وجود واسطه‌ها ضروری است. (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۸۱، ۲/۲۶۶) آیت‌الله مصباح تأکید می‌کند که صدور مستقیم و بدون واسطه موجودات کثیر از علت واحد و بسیط محال و ممتنع است؛ زیرا قابلیت دریافت بی‌واسطه فیض از باری تعالی را ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ۴/۲۰۸).

۴. نقش واسطه فیض

یکی از نقش‌های واسطه فیض این است که در جایگاه مقرب است، یعنی واسطه فیض وسیله و واسطه در تقرب معنوی و وجودی بین وجود قوی‌تر و وجود ضعیف‌تر است. (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۸۱، ۸/۸۴) در امر فیضان وجودی نوعی تقرب وجودی و مکانی شرط است. منبع این وجود و فیض واحد بسیط مطلق است که باید با کثرات و موجودات مرکب عالم مادون مرتبط شود و بدون وساطت جهات و وسایط مکرره محال است. از این رو، وظیفه آنها رساندن فیوضات به موجودات دیگر است. آیت‌الله جوادی تأکید کرده است که موجودات زمینی بدون واسطه فیض نمی‌توانند احکام و علوم و معارف الهی را دریافت کنند اگرچه فیض خداوند به همه موجودات دائمی است. پس برای دریافت فیوضات نیازمند به واسطه فیض هستند تا برای آنها آشنا و محسوس باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳/۱۲۹). نقش دیگر واسطه‌های فیض، مستعد ساختن و آماده کردن اشیا برای دریافت فیض و قبول وجود است (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۸۱،

۱۴۳/۹) به عبارت دیگر از جانب فاعل مفیض، منع برای ایجاد شیء یا تکمیل آن وجود ندارد، بلکه این اشیا و قوایل هستند که باید استعداد اخذ و قبول عطایای فیاض علی الاطلاق را داشته باشند. نقش وسایط و مجاری فیض در همین جا مشخص می شود؛ زیرا از دیدگاه صدرا و نوصدرائیان وسایط و مجاری فیض در قالب مخصات و مرجحات ایجاد یعنی، بین همان جهات مکتبه هستند که ارتباط میان فاعل بسیط واحد و قوایل متکثر را ممکن می کنند. (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۸۱، ۱۹۲/۹) پس واسطه، نقشی در قادر ساختن فاعل مفیض ندارد، بلکه نقش آن در ایجاد قابلیت مستفیض است. بنابراین، واسطه ها که معلول هستی بخش هستند تنها نقش معد و واسطه فیض بودن را دارند و به هر چیزی فیض به اندازه قابلیت او می رسد؛ یعنی واسطه ها قابلیت قابل را برای دریافت فیض آماده می کنند. نقش دیگر واسطه فیض در روایات به ویژه در روایات شیعه، وجود حجت الهی در روی زمین است که جایگاه مهمی در کل نظام هستی دارد. نیاز به حجت علاوه بر بعد هدایتی و تشریحی در بعد تکوینی هم در همه زمان ها وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۳/۱). آیت الله جوادی می فرماید: «از نظر فلسفی، خدا برای افاضه به خلق، وسائلی را در نظام خلقت پدید آورده است و از طریق آن مبادی عالی به اداره امور عالم می پردازد هم در تربیت انسان (ربوبیت تشریحی)، هم اجرای احکام (ولایت و سرپرستی و حکومت بر مردم)، هم ولایت تکوینی و هم در تصرف و خلقت عالم» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۵۶/۷).

۵. ویژگی های واسطه فیض

یکی از ویژگی های واسطه فیض، داشتن همه کمالات وجودی به طور اتم است. براساس قاعده الواحد از علت واحد، جز معلول واحد صادر نمی شود. چون وجود واجب تعالی واحد است از هر نظر بسیط است و هیچ شیوه ای از کثرت در او راه ندارد (کثرت عقلی یا کثرت خارجی) و چون میان علت و معلول سنخیت برقرار است، پس وجود صادر شده از واجب تعالی بسیط و واجد همه کمالات وجودی (ممکن) است و از هر نظر بالفعل و منزه از هر قوه و استعدادی است؛ زیرا براساس این قاعده هرگاه علت قوی ترین علت بود، معلول نیز قوی ترین معلول خواهد بود؛ یعنی قوت و

ضعف علت به معلول خود هم سرایت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ۴۰۷/۳) صادر اول هم شعاعی از وجود واجب و وجودش وابسته به اوست و هیچ‌گونه استقلال از او ندارد، پس صادر اول همراه با نقصان ذاتی و محدودیت امکانی است و واسطه‌ای میان او و واجب تعالی نیست و تمام کمالات مراتب پایین را به‌طور اتم و اکمل دارد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ۴۰۸/۳).

ویژگی دیگر واسطه فیض این است که مستمر و همیشگی است. ملاک نیاز به علت در وجودات، همان قصور ذاتی و وجودی تعلق آنها و در ماهیات (موجوده) امکان ماهوی آنهاست. رابطه علیت وجودی یعنی، ارتباط وجود رابط و تعلق (وجود فقری) با وجود غنی است. در حکمت متعالیه مناط نیازمندی (قصور وجودی و امکان فقری) مانند هویت ممکن است و تعلق او به فاعل مفیض جز بر فقرش نمی‌افزاید و تداوم وجودی او از ازل تا ابد است. برای اثبات دوام فیض، عقیده بر این است که تداوم فیض حق تعالی بر موجودات عدم تعطیل نیست؛ زیرا عدم تحقق صفات سلبی مانند بخل، منع، امساک بر ذات حق و اقتضای حب ذاتی نسبت به آثار، بدون مدخلیت زمان خاص است؛ زیرا خداوند فراتر از زمان است. (رحیمیان، ۱۳۸۱، ص ۲۲۶) علاوه بر آن قدرت واجب تعالی، مبدئیت او برای ایجاد و علیتش نسبت به سایر موجودات است. این قدرت عین ذات اوست. این امر مستلزم آن است که فیض واجب تعالی استمرار و دوام داشته و رحمتش پیوسته باشد و هرگز بخشش او قطع نشود، اما این امر مستلزم آن نیست که عالم طبیعت دائم و مستمر باشد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۸). به همین دلیل در متون دینی نیز خداوند دائم‌الفضل علی‌البریه نامبرده شده است (مفاتیح‌الجنان، دعای شب جمعه). پس از آنجا که فیض الهی مداوم است وجود واسطه فیض نیز استمرار دارد. از بیان قبلی روشن شد که خصلت فیض و هستی‌بخشی خداوند همیشگی است، پس واسطه فیض نیز همیشگی خواهد بود.

۶. اثبات واسطه فیض و تطبیق آن با ضرورت وجود امام

مهمترین دلایل در منابع متعدد برای لزوم وجود واسطه فیض، قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»، قاعده لزوم سنخیت بین علت و معلول و قاعده امکان اشرف است. براساس قاعده

الواحد باید از واحد من جمیع جهات، یک واحد صادر شود و آن وجود باید نسبت به سایر مخلوقات، نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین وجود را نسبت به خالق داشته باشد. اگرچه وجود او مثل مبدأ نخستین نیست؛ زیرا او معلول و اثر اوست و علت همواره بر معلول مقدم، برتر و اقوی است. به عبارت دیگر از خداوند یگانه و بسیط جز یک معلول صادر نمی‌شود حال آنکه عالم هستی پر از کثرات، موجودات و معلول‌های گوناگون است و جمع میان این دو وجود واسطه را نشان می‌دهد. (خلیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴) همچنین براساس قاعده لزوم سنخیت بین علت و معلول از مبدأ واحد و کمال مطلق، معلول یگانه با بالاترین کمال ممکن صادر می‌شود، پس کثرات عالم و موجودات جسمانی نمی‌توانند اول صادر و اول مخلوق باشند. بنابراین، وجود واسطه‌ای که واجد بالاترین کمالات وجودی باشد، قطعی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ۲/۲۰۴).

براساس آیات و روایات متقن، انسان کامل که همان صادر اول است مصداق اتم واسطه فیض است و انبیای الهی و امامان معصوم یعنی، واسطه‌های فیض الهی صادر نخستین هستند. واسطه فیض الهی در روایات بر نور محمد و آل او تطبیق شده است که به اذن الله بر دیگر پدیده‌ها ولایت دارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۷/۵۵) آنها واسطه فیض خدا و تنظیم‌کننده رابطه اسمای حسناى الهی هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱/۳۴۷). بنابراین، واسطه فیض در حکمت متعالیه و نوصدائیان، انسان کامل است که در هر عصری وجود دارد؛ یعنی انسان کامل عامل بقای نظام هستی است. او غایت خلقت است و وجودش در قالب واسطه فیض در قوس نزول و قوس صعود ضرورت دارد. انسان کامل، برترین مظهر و تجلی‌گاه اسماء و صفات الهی است که نقش وساطت در فیض است (رحیمیان، ۱۳۸۱، ص ۲۰۲). برهان دیگر دال بر وجود واسطه فیض بودن امام، برهان امکان اشرف است. ملاصدرا با استناد به قاعده امکان اشرف وجود امام را ثابت می‌کند. او می‌گوید: «در تمام مراحل وجود لازم است ممکن اشرف بر ممکن اخس مقدم باشد. بنابراین، هرگاه ممکن اخسی وجود داشته باشد باید مقدم بر آن، ممکن اشرف، موجود شده باشد. افاضه وجود و ریزش فیض به‌طور سلسله‌ای از اشرف به اخس است؛ زیرا ترتیب سلسله وجود صادر شده از باری همواره از اشرف به اخس و از اعلا به ادناست. ادنا وانقص موجود



نمی‌شوند، مگر به سبب اعلا و اکمل و این سببیت و تقدم، ذاتی و طبعی است» (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۸۱، ۳۴۲/۵). وی در شرح اصول کافی در شرح حدیث «لو لم یبق فی الارض الا اثنان لکان احدهما الحجه» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۵۴/۱) اثبات امامت به روش مزبور را با بیانی رسا توضیح می‌دهد: نبی و امام، نوع عالی و اشرف از سایر انواع فلکیه و عنصریه هستند و نسبت حجت به سایر بشر در رتبه وجود مانند نسبت انسان به سایر حیوانات و نسبت حیوان به نبات و نبات به جمادات است، پس تقدم و تأخر در وجود، میان نوع شریف و نوع خسیس مسلم است. انسان اشرف موجودات ارض است. بنابراین، سبب وجود و غایت ذاتی خلقت موجودات ارضی است. اگر انسان از زمین مرتفع شود سایر موجودات از جماد، نبات و حیوان نیز مرتفع خواهند شد. همچنین اگر حجت الله در زمین نباشد، همه آدمیان نخواهند بود. علاوه بر آن، آبادانی کل جهان و بقای انواع بستگی به وجود حجت الله دارد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا ممکن است زمین باشد و امامی در آن نباشد». امام صادق علیه السلام پاسخ داد: «خیر». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۵۱/۱) ملاصدرا در شرح این حدیث می‌نویسد: «زمین ممکن نیست از حجت الله بر خلق خالی باشد. حجت الهی همواره یا رسول است و نبی و یا امام است و وصی، اما نبوت به معنای رسالت و تشریح، به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ختم شده است و امامت که باطن نبوت است تا روز قیامت باقی است» (صدرالدین الشیرازی، ۱۳۶۶، ۴۷/۱). علامه طباطبایی و علامه مصباح نیز قاعده امکان اشرف را مطرح کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ۳۶۳/۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ۱۷۵/۲). با استفاده از این قاعده می‌توان برهان اثبات امامت یعنی، واسطه فیض را تبیین کرد:

- مقدمه اول: بی‌شک، انسانی که همه کمالات انسانی را دارد (امام) وجودش شریف‌تر از انسان‌های دیگر است که تنها برخی از آن کمالات را دارند.

- مقدمه دوم: هرگاه شیء ممکن تحقق یابد که کمالات وجودیش کم‌تر از شیء ممکن دیگری است آن ممکن شریف‌تر باید پیش از او موجود باشد (قاعده امکان اشرف).

نتیجه اینکه با مشاهده این همه انسان‌هایی که تنها برخی از کمالات را دارند، می‌توان به اصل وجود امام پی برد؛ زیرا به اقتضای قاعده، محال است که انسان‌ها، وجود، حیات و علم، جمال را از مبدأ فیاض دریافت کرده باشند، ولی در مرتبه پیشین انسان کامل دریافت نکرده باشد. براساس برهان امکان اشرف نه تنها ضرورت وجود امام و انسان کامل اثبات می‌شود، بلکه ضرورت استمرار امامت و وجود مستمر امام در همه زمان‌ها نیز ثابت می‌شود؛ زیرا اگر فردی از افراد بشر روی زمین باشد باید فرد دیگری نیز باشد که انسان کامل و حجه‌الله و... در او متظاهر شود. بنابراین، زمین هرگز نمی‌تواند از وجود حجت خالی باشد. جرگه عالم بشریت بدون انسان کامل محال است. بنابراین، مقام امام، مقام برجسته‌ای است که صدرالمتألهین برای صاحب ولایت یعنی، نبی یا امام ذکر کرده است. مقامی است که اول، علاوه بر ولایت تشریعی، ولایت تکوینی دارد؛ دوم، مقام انسان کامل که مقوله‌ای بسیار بحث‌برانگیز در فلسفه‌های مختلف است در حکمت متعالیه از آن امام است؛ سوم، مجموع بحث‌های فلسفی ملاصدرا در اسفار اربعه (چهار سفر معنوی) براساس سیر و سلوک مقام ولایت شکل گرفته است. قائل شدن به چنین مقام والا و شگفت‌انگیزی برای امامت به‌ویژه نظام صدرایی است به‌گونه‌ای که در سایر نظام‌های کلامی و فلسفی مانند آن دیده نمی‌شود.

۷. مصادیق وساطت فیض امام

۷-۱. در نظام تکوین

براساس سخن مطرح شده، امام مقام هدایت تکوینی دارد که شامل امور معنوی و امور مادی است. در امور معنوی، تصرفات در کائنات، هدایت باطنی، واسطه در دعا، شفاعت، بالابردن اعمال، آگاهی امام از اعمال مردم است. باتوجه به اینکه امام مالک اسم اعظم است، می‌تواند در کائنات تصرف داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۶۳/۸) می‌توان گفت براساس مقام علم لدنی امام، ایشان مقام احاطه بر عوالم وجود و مقام والای تصرف دارد و این برترین مقام ولایت است که به اذن خدا می‌تواند بر همه جان‌ها و جهان‌ها نفوذ غیبی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹،

۲۳۹/۸). یکی از نمونه‌های تصرف ایشان در کائنات این است که روایتی با اسناد متعدد آمده است. «امیرالمؤمنین علیه السلام خورشید را که غروب کرده بود، بازگردانید و به همراه جویره، نماز عصر را خواند». در این روایت، امام علی علیه السلام با استناد به قرآن، قدرت خود را به اسم اعظم خدا مستند می‌کند (صفار قمی، ۱۴۰۴، ۵/۲۱۸). مصداق دیگر واسطه فیض بودن امام علیه السلام هدایت باطنی است. هدایت باطنی یکی از مهمترین جلوه‌های باطن امامت و ولایت است؛ یعنی نفوذ و هدایت معنوی و تأثیر اراده امام علیه السلام بر نفوس آماده. هدایت باطنی پس از بهره‌مند شدن افراد از هدایت ظاهری انجام می‌شود (خلیلی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸) مانند دریافت الهامات. هر انسانی براساس ظرفیت وجودش می‌تواند از این هدایت بهره‌مند شود. امام علیه السلام که واسطه است در ایجاد قابلیت هدایت با گفتار و رفتار که برگرفته از وحی است بندگان را هدایت می‌کند تا قابلیت دریافت مراحل بالای فیض و تداوم آن را پیدا کند؛ یعنی ایجاد و اتمام قابلیت. این نوع هدایت به امر است؛ یعنی رساندن به هدف هم هست (ایصال به مطلوب) به این صورت که امام که مجری هدایت به امر است با تصرف تکوینی در وجود اشخاص، آنها را به درجات بالای کمال می‌رساند و آن هدایت با تصرف در ضمائر و قلوب پاک مؤمنین محقق می‌شود و فقط توسط برگزیده‌ترین پیامبران صورت می‌گیرد.

علامه طباطبایی در توضیح نوع این هدایت به امر آن را هدایت خاص می‌داند. هرگاه کلمه امام می‌آید همراه هدایت با قید امر می‌آید. این امر حقیقتی است که در آیه ۸۲ سوره یس فرموده است: «او وقتی اراده چیزی می‌کند تنها همین است که به آن چیز بگوید باش و او هست شود که آن را به ملکوت (ناحیه باطن این اعمال) تفسیر می‌کند و می‌فهماند که هدایت به امر خدا از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مؤمنین به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می‌شوند و به رحمت پروردگارشان ملبس می‌گردند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴/۳۰۴ و ۲/۲۷۳). آیت‌الله جوادی آملی هم شبیه آن مطلب را می‌فرماید: «برجسته‌ترین معنایی که امامت مذکور در این آیه (بقره ۱۲۴) بر آن قابل تطبیق است هدایت باطنی و ملکوتی و هدایت به معنای ایصال به مطلوب است؛ زیرا قرآن کریم یکی از ویژگی‌های ائمه را هدایت به امرالله بیان می‌کند: «امرالله» که

امام، مردم را با آن هدایت می‌کند چهره ثابت و ملکوتی جهان طبیعت است. امام براساس پیوند با مقام «کن فیکون» و ارواح انسان‌ها و درقالب مظهر مقلب القلوب، هرچیز را براساس ملکوت آن و با تصرف در قلب آن هدایت می‌کند. برای این هدایت، هادی باید خود مهتدی بالذات باشد. این هدایت، فیضی درونی است که از ناحیه خدای سبحان به قلوب نورانی ائمه علیهم‌السلام و از آنجا به دل‌های مؤمنان می‌رسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۴/۴۱۴).

در زندگی ائمه نمونه‌های زیادی از این تصرفات یافت می‌شود. یکی از نمونه‌ها داستان غلامی است به نام رفید در زمان امام صادق علیه‌السلام که مالک او علی بن هییره سامی بود. «مالک بر رفید غضب کرد و قصد کشتن او را نمود. غلام به امام پناه آورد. حضرت به او گفت که برگرد نزد مالک خود و از جانب من به او سلام برسان و بگو که من پناه دادم رفید را بر تو، پس او را اذیت نکنید و به او بدی نرسان. وقتی او برگشت این حرف را زد بر قلب مالک خیلی اثر کرد. از او معذرت خواست و گفت همان طور که با شما رفتار کردم شما می‌توانی با من رفتار بکنید. اگر امام بخواهد، پیغامش آن‌چنان تأثیری در قلب می‌گذارد که او را از این رو به آن رو می‌کند» (بنی‌هاشم، ۱۳۸۶، ۱/۱۹۸). امام واسطه در دعاست؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام مستجاب‌الدعوه هستند؛ یعنی دعایشان مقبول درگاه خداست و وقتی دعا می‌کنند خواسته و حاجت انسان‌ها برآورده می‌شود. خداوند می‌فرماید: «و لله اسماء الحسنی فادعوه بها؛ برای خداوند اسمای حسنی یعنی، نام‌های نیکوست او را با آن اسما بخوانید» (اعراف: ۱۸۰). امام صادق علیه‌السلام در ذیل این آیه فرمود: «نحن والله الاسمای الحسنی؛ به خدا قسم اسمای حسنای الهی، ما اهل بیت هستیم» (بحرانی، ۱۳۹۷، ۴/۲۳۳).

مصدق دیگر واسطه فیض بودن امام، وجود شفاعت توسط آن بزرگواران است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره فرمود: «جلوه‌گاه دیگر رحمت اهل بیت علیهم‌السلام قیامت است که در آن محشر عظیم به صورت شفاعت از قاصران و برخی از مقصران ظهور می‌کند، ولی همان‌طور که رحمت الهی در اینجا عام و در آنجا ویژه مؤمنان است شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام نیز که مظاهر رحمت الهی هستند شامل کسانی خواهد شد که مؤمن از دنیا رفته باشند هرچند در دنیا رحمت و عفوفتشان همگان را شامل می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱/۱۷۰). آیت‌الله مصباح یزدی در این باره فرمود: «باتوجه

به ضعف، قصور و آلودگی‌هایی که در ماست لایق حضور در محضر خداوند و توجه به او و سخن گفتن با وی نیستیم. بدین سبب خداوند راهی را فراروی ما نهاده که از آن طریق بتوانیم به او تقرب جویم و آن انوار مقدس اهل بیت علیهم السلام است که با مقام بسیار والایی که نزد خداوند دارند در پیشگاه وی از ما شفاعت می‌کنند و در نتیجه، خداوند گناهان ما را می‌بخشاید و در پرتو مقام و منزلت ایشان ما را هم مورد عنایت قرار می‌دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ۴/۱۰۸). مصداق دیگر واسطه فیض بودن امام علیه السلام باعث بالا برده شدن اعمال انسان است. امام علیه السلام به معنی پیشواست. در هر لحظه مقتدی باید از امامش اطاعت کند؛ زیرا پیروی از آنها برکت و پاداش می‌آورد. همچنین اعمال بندگان اگر بخواهد بالا رود و به ساحت قدس ربوبی راه پیدا کند به واسطه آنهاست (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۸). در زیارت جامعه کبیره به امامان، قیادت‌الاعمال می‌گویند؛ یعنی رهبری و قیادت اعمال و عبادات بندگان خدا با آنهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۱۵/۱).

خداوند می‌فرماید: «سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد» (فاطر: ۱۰) اعتقادات پاک به سوی خدا می‌رود و اعمال نیک و شایسته آن را رفعت می‌بخشد. اعمال طیب و صالح از آن خط سیر عبور می‌کند و به خدا می‌رسد و برای پیمودن هر مسیری احتیاج به راهنما دارد. در آنجا عملی قائد و راهنما را به مقصد می‌رساند که برترین اعمال و خالص‌ترین آنها باشد و آن جز عبادت و اعمال ائمه اطهار نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱/۲۱۶). آیت‌الله جوادی فرمود: «در پیمودن هر مسیری احتیاج به قائد است. خواندن نماز اول وقت در واقع اقتدا کردن به امام زمان خود است؛ زیرا امام هر زمانی و هر جا که باشد نماز اول وقت را می‌خواند، پس کسی که نماز را در اول وقت می‌خواند تبعیت از امام زمان خود کرده است. همین تبعیت‌ها موجب می‌شود که نماز امام هر عصر به هنگام صعود و تقرب به سوی خدا، امامت و قیادت نمازهای دیگر بندگان تحت زعامت و رهبری او را با حفظ مراتب برعهده بگیرد و آن را به محضر قدس ربوبی واصل کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱/۲۱۶). علاوه بر آن، توجه به اهل بیت علیهم السلام باعث می‌شود که افراد بیشتر در اعمال و مناسک خود اخلاص و خضوع داشته باشند. آیت‌الله مصباح در این باره فرمود: «توجه به

اهل بیت علیهم السلام باعث تقرب ما به خداوند می‌شود و کمک می‌کند تا با حضور قلب بیشتری نماز بخوانیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ۱/۱۰۸).

مصدق دیگر واسطه فیض بودن امام، آگاهی وی از اعمال مردم است. امام کسی است که باطن دل‌ها و اعمال و حقیقت آن، پیش رویش حاضر است و از او غایب نیست؛ زیرا باطن دل‌ها و اعمال برای امام حاضر است، پس امام به تمام اعمال بندگان چه خوب و چه بد آگاه است. گویا هرکسی هرچه می‌کند در پیش روی امام انجام می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۲۷۳) امام چشم خداست، اشاره به وسعت دید آنهاست؛ یعنی بینایی امام فراگیر است و همه عالم وجود را فرامی‌گیرد. امروز حجت خدا امام عصر، شاهد بر اعمال و ناظر بر کردار انسان‌هاست و فردای قیامت آنچه را مشاهده کرده در پیشگاه پروردگار شهادت می‌دهد. روایات زیادی در این امور (آگاهی امام از اعمال مردم و شهادت او بر آنها) نوشته شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۶/۴۹۵). یکی از آنها روایتی از امام علی علیه السلام است که حضرت امام از امور پنهانی مردم بااطلاع است. ایشان در نهج البلاغه می‌فرماید: «و الله شئت ان اخبر کل رجل منکم بمخرجه و مولجه و جمیع شأنه لفعت؛ به خدا سوگند اگر بخواهم می‌توانم هرکدام از شما را از آغاز و پایان کارش و از تمام شئونات زندگی‌اش آگاه سازم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).

۲-۷. در امور مادی

نزول رزق و برکات از آسمان و زمین، نظارت بر اعمال انسان، عرضه اعمال بر پیشگاه امام و دفع بلا و شرور. امام مقام والا و موقعیت ارزشمندی در نظام هستی دارد. او سبب اتصال ارض و سماء و واسطه بین ملک و ملکوت است. فیض ربوبی به واسطه آنها بر موجودات سرازیر می‌شود. هرگونه نعمتی که بر خلق نازل می‌شود بارانی که از آسمان می‌بارد، گیاهی که از زمین می‌روید، آسمانی که برافراشته و برقرار است، زمین که از آرامش دارد همگی به برکت آنهاست. مخلوقات عالم همگی به طفیل آنها خلق شده‌اند و برای آنها از نعمت‌های الهی و الطاف خداوندی برخوردارند. یکی از نمونه‌های وجود امام در قالب وساطت مادی این است که در روایت آمده است: «و انتم نور الاحیاء»

بکم فتح الله و بکم یختم الله و بکم ینزل الغیث؛ و شما نور برگزیدگان هستید. به واسطه شما خدا آغاز کرد و به واسطه شما به پایان رسانید و به واسطه شما باران نازل می شود» (مفاتیح الجنان، دعای جامعه کبیره).

مصدق دیگر واسطه فیض بودن امام، نظارت بر اعمال انسان است. امامان معصوم بر اعمال انسان نظارت می کنند. آنان واسطه فیض در ایجاد قابلیت انسان هستند. یعنی اگر قابلیت قابل به حد نصاب نرسیده باشد، کمبود قابلیت را کامل کنند؛ یا از طریق ارشاد باگفتار و کردار شان، یا از طریق تصرف در نفوس بندگان انجام می شود تا قابلیت دریافت فیض خداوند و تداوم آن را پیدا کنند.

سفیران الهی، جانشینان و پیروان صادق آنها دلیل های راه و چراغ های هدایتی هستند که با گفتار و کردار خود به راهیان هشدار می دهند و سالکان راه عبودیت را از هرگونه کژراهه پیمایی باز می دارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۴۴/۴) در ذیل آیه ۶۲ زمر علامه طباطبایی می فرماید: «أی هو القائم علی کل شیء المدبر لأمره الناظم نظام وجوده و حیاته؛ او برپادارنده هر چیزی است و تدبیر امورشان به دست اوست و اوست که نظام بخش وجود و حیات آنهاست». مصداق دیگر واسطه فیض بودن امام، عرضه اعمال بر پیشگاه اوست. آیت الله جوادی آملی هم تصریح می کند که روایات زیادی در عرضه و ارائه اعمال مردم به پیشگاه امام در هر بامداد و شامگاه در آثار حدیث معصومین دیده می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۴۹۸/۶ و ۱۴۲/۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۷۹/۲). در جای دیگر آمده است: «روز پنجشنبه اعمال ما خدمت امام علیه السلام عرضه می شود. «هُوَ یَوْمٌ تُعْرَضُ فِيهِ الْأَعْمَالُ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ؛ روز پنجشنبه روزی است که در آن اعمال بندگان بر خداوند و رسول خدا و امامان عرضه می شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۴۶/۲۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۷۸/۲).

اعمال انسان ها نزد امام حضور دارد و او نوعی نظارت و اشراف بر اعمال دارد. مرحوم علامه طباطبایی عرضه اعمال را برای امام تشریفاتی نمی داند و می فرماید: «اعمال بندگان نزد امام علیه السلام حاضر است و هیچ گاه غایب نیست و امام، باغبان عمل بندگان است که آنها را چه خوب

و چه بد به مطلوب سوق می‌دهد و به سوی حق سبحانه و تعالی هدایت می‌کند» (رخشاد، بی‌تا، ص ۲۰۳). امام علیه السلام وقتی که اعمال خوب انسان را می‌بیند، خوشحال می‌شود و برعکس وقتی که اعمال بد انسان را می‌بیند احساس حزن می‌کند. در روایات آمده است: «شخصی تب شدیدی داشت و در نماز امیرالمؤمنین شرکت کرد، پس از نماز تب او شدید شده و بر آن حضرت وارد می‌شود و امام از حال او خبر می‌دهد، سپس فرمود: هیچ مؤمنی مریض نمی‌شود مگر اینکه ما نیز به مرض او مریض می‌شویم و محزون نمی‌شود مگر اینکه ما نیز به حزن او محزون می‌شویم و دعا نمی‌کند مگر اینکه به دعایش آمین می‌گوییم و ساکت نمی‌شود مگر اینکه برای او دعا می‌کنیم» (صفار قمی، ۱۴۰۴، ۲۵۹/۵). مصداق دیگر واسطه فیض بودن امام، دفع بلا و شرور است. به واسطه اهل بیت علیهم السلام ریشه غم و غصه از بین می‌رود و هرچه انسان بیشتر به آن بزرگواران نزدیک شود شادی و خوشی جایگزین اندوه و غصه خواهد شد. در روایات آمده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمود: «انا خاتم الاوصیاء و بی یدفع الله عز و جل البلاء عن اهلی و شیعتی؛ من آخرین وصی خاتم الانبیاء هستم و به وسیله من خداوند بلا را از خاندان من و شیعیانم دفع می‌کند و دور می‌گرداند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰/۵۲).

۷-۳. در نظام تشریح

امام، مقام هدایت تشریحی دارد؛ یعنی تصرف در وجود افراد که به دست خود مهتدی با اذن خدا انجام می‌شود. این هدایت را هدایت ظاهری می‌گویند. هدایت ظاهری با تعلیم، موعظه و امر و نهی محقق می‌شود. نقش مهم ائمه اطهار علیهم السلام در هدایت انسان‌ها به سوی صراط مستقیم در مرحله وساطت در نزول وحی و ابلاغ آن است؛ زیرا امامت، تداوم نبوت است. سخنان وی در تبیین حقایق و قوانین و معارف اسلام، حجت است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۵۲/۷). پس آنها مفسر حقیقی قرآن مطرح شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۵۲/۷). امام علاوه بر وظیفه تبلیغ دین و شریعت، وظیفه پاسداری از کیان آموزه‌های دینی و جلوگیری از تحریف آن را دارد تا دین توحید را سربلند کند. در این مسیر خودش در معرض خطر قرار می‌گیرد.

علامه طباطبایی در توضیح ذیل آیه ۸۹ سوره انعام به این مطلب تأکید می‌کند که در هر زمان و مکانی عهده‌دار هدایت الهی وجود دارد. خداوند به وسیله آنها دین خود را از زوال و هدایت خود را از انقراض حفظ می‌کند؛ آنها همان معصومین علیهم السلام هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۶۵۱).

مصدق دیگر واسطه فیض بودن امام در نظام تشریح، رهبری حکومت اسلامی است. اجرای وحی فقط با ایجاد حکومت اسلامی برپا می‌شود. بدون شک دین بهترین قانون از بزرگ‌ترین قانون‌گذار یعنی، خداوند است. به وسیله قانون دین می‌توان انسان را به سعادت رساند؛ زیرا قانون‌گذار از تمام ابعاد بشر آگاه است. تنها حجت‌های الهی هستند که می‌توانند دین را به طور کامل بشناسند و عمل کنند و نسبت به روش و عمل آن آگاهی کامل دارند. بدیهی است که رهبر معصوم، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی برای جامعه است و به وسیله او جلوی بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی گرفته می‌شود، جامعه از اختلاف، پراکندگی و کج‌روی نجات می‌یابد و به سوی کمال مطلوب رهبری می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). علاوه بر بهره‌مندی مردم از رهاورد دین، نیاز اساسی به جامعه دینی و هدف پیامبران الهی وجود دارد و رسیدن به این هدف بدون حاکمیت نظام دینی در جامعه محال است. بنابراین، حضور پیشوایی آگاه در جامعه و پیروی از وی را می‌طلبند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۸/۱۷۴). بدون شک حکومت دینی بزرگ‌ترین امانت الهی است که باید به وسیله راهنمایی امام و کمک امت به حاکم امینی که تمام شرایط امامت را دارد، سپرده شود، پس اگر امام و رهبر و قانون‌گذاری نباشد که نظارت و کنترل کند هرج و مرج و اختلاف پیش می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱)، ولی اگر امام و رهبر موجود باشد جامعه پر از امنیت و آرامش است.

مصدق دیگر واسطه فیض بودن امام، اجرای عدالت در جامعه است. برای اصلاح جامعه نیاز به اجرای عدالت است. علامه طباطبایی سه روش برای اصلاح جامعه، محقق کردن عدالت و از بین بردن ستم و مقاومت در برابر شر و فساد را برشمرده است: روش اول، موعظه حسنه و دعوت سالم؛ روش دوم، قطع رابطه با دو روش مسالمت‌آمیز و یا قهر و همکاری نکردن با دشمن و دشمن را به رفتار خود واگذار کردن؛ روش سوم، قیام مسلحانه و جنگ است؛ زیرا خدا به هیچ وجه به ظلم

و ظالم رضایت نمی دهد و کسانی که در برابر ظلم ساکت می نشینند شریک ظلم او هستند.
(طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴/۲۶۰)

۸. نتیجه گیری

باتوجه به اصل اصالت و تشکیک وجود، وحدت حقه حقیقه وجود و قانون الواحد این نتیجه به دست می آید که برای افاضه فیض از منبع آن به وجود واسطه هایی نیاز است و باتوجه به قانون سنخیت و اینکه صادر اول باید با مبدأ فیض که کمال علی الاطلاق است سنخیت تام داشته باشد این صادر اول براساس روایات و احادیث، نور محمدیه و مصداق آن همان وجود امام معصوم علیه السلام است. همچنین باتوجه به قاعده امکان اشرف و عوالم وجود اگر موجودات اخس در عالم تحقق دارند موجود اشرف نیز وجودش محقق است، پس باوجود نوع انسان در عالم وجود، نوع اشرف و کامل آن که همان انسان کامل و امام معصوم است، اثبات می شود و نیز باتوجه به جایگاه انسان کامل و ویژگی های آن، ولایت تکوینی و تشریعی او نیز ثابت می شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: انتشارات هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
- * نهج البلاغه (بی تا). مترجم: فیض الاسلام، علی نقی. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- ۱. بحرانی، هاشم حسینی (۱۳۹۷). تفسیر برهان. بی جا: تهذیب.
- ۲. بنی هاشم، محمد (۱۳۸۶). گوهر قدسی معرفت. تهران: نشر منیر.
- ۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ادب فنای مقربان. قم: نشر اسراء.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- ۵. خلیلی، مصطفی (۱۳۸۲). اندیشه های کلامی علامه طباطبایی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
- ۶. رحیمیان، سعید (۱۳۸۱). فیض و فاعلیت وجودی از فلوپتین تا صدر المتألهین. قم: بوستان کتاب.
- ۷. رخشاد، حسین (بی تا). در محضر علامه طباطبایی. قم: نشر نهاندی.
- ۸. شیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). الغیبه، کتاب الغیبت للحجه. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- ۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). شرح اصول کافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الرابعه. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۱۱. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. قم: مکتب آیت الله المرعشی النجفی.

۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: غدیری، حسن‌رضا. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). شیعہ. قم: نرم‌افزار علامه طباطبایی.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹). ترجمه و شرح نہایہ الحکمہ. مترجم: شیروانی، علی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲). نہایہ الحکمہ. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۸). ترجمه و شرح ہدایہ الحکمہ. مترجم: شیروانی، علی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۷. قمی، عباس (۱۳۹۷). مفاتیح الجنان. مترجم: الہی قمشہ‌ای، مهدی. قم: آیین دانش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول الکافی. مصحح: غفاری، علی‌اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). بہ سوی تو. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). رہتوشہ. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). آموزش عقاید. قم: انتشارات امیر کبیر.